



## میراث آیت الله شاه‌آبادی، پیوند میان «عرفان شیعی» و سیاست و جهاد بود

آیت الله شاه‌آبادی در قم آستین همت بالا زد تا علوم عقلی، عرفان و اخلاق را که در آن زمان به دلیل کج‌فهمی‌ها و قشری‌گری‌ها منزوی شده بود، احیا کند.

آیت الله شاه‌آبادی در قم آستین همت بالا زد تا علوم عقلی، عرفان و اخلاق را که در آن زمان به دلیل کج‌فهمی‌ها و قشری‌گری‌ها منزوی شده بود، احیا کند.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت الله میرزا محمدعلی بیدآبادی اصفهانی، مشهور و ملقب به «شاه‌آبادی»، یکی از برجسته‌ترین و کم‌نظیرترین چهره‌های فقهی، فلسفی، عرفانی و مبارزاتی تاریخ معاصر تشیع است. ایشان در سال ۱۲۹۲ هجری قمری (مصادف با ۱۲۵۴ شمسی) در محله حسین آباد اصفهان، در خانه‌ای آکنده از نور علم و تقوا دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوار ایشان، آیت الله میرزا محمدجواد بیدآبادی، از فقهای ربانی و شاگردان میرزا صاحب‌جواهر بود که به تربیت فرزندان خود اهتمام ویژه‌ای داشت. محمدعلی، مقدمات علوم اسلامی را در زادگاهش نزد پدر و برادر بزرگتر خود، شیخ احمد مجتهد بیدآبادی فراگرفت.

وی از همان اوان کودکی استعداد شگرفی از خود نشان داد؛ به طوری که در ده سالگی در درس خارج فقه و اصول میرزا هاشم خوانساری (نویسنده کتاب مبانی الاصول) شرکت می‌کرد و هم‌زمان علوم ریاضی و هیئت را از محضر میرزا عبدالرزاق بغایری (سرتیپ) آموخت. در سال ۱۳۰۴ هجری قمری، به دلیل روحیه استکبارستیزی پدرش و مخالفت با حاکمان وقت، ناصرالدین شاه قاجار دستور به تبعید آیت الله محمدجواد بیدآبادی به همراه فرزندان‌ش داد.

این هجرت اجباری، زمینه‌ساز ورود میرزا محمدعلی جوان به حوزه علمیه کهن و غنی تهران شد. در تهران، او با ولع علمی فراوان به محضر اساتید بزرگ شتافت؛ فقه و اصول را نزد میرزا حسن آشتیانی (از شاگردان طراز اول شیخ مرتضی انصاری و رهبر جنبش تنباکو در تهران) تکمیل کرد و در حوزه علوم عقلی، شیفته کرسی درس فلسفه حکیم نامدار میرزا ابوالحسن جلوه شد. استعداد بی‌نظیر او سبب شد که در سن هجده سالگی (سال ۱۳۱۰ قمری) به مرتبه رفیع اجتهاد نائل آید.

پس از درگذشت پدر در سال ۱۳۱۲ قمری، وی همچنان در تهران ماندگار شد و به مدت شانزده سال به تحقیق، تعمیق و تدریس علوم منقول و معقول پرداخت، به گونه‌ای که حوزه‌ای مستقل و پررونق را اداره می‌کرد و علاوه بر فلسفه، در کلاس‌های عرفان میرزا هاشم اشکوری (شارح مصباح الانس) به عالی‌ترین مدارج شهود و معرفت دست یافت.

هجرت به عتبات عالیات و تجلی در حوزه‌های نجف و سامرا

عشق به کمال و دستیابی به مبانی تازه اصول فقه، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی را بر آن داشت تا در سال ۱۳۲۰ هجری قمری عزم سفر به نجف اشرف کند. وی ابتدا سفری کوتاه به اصفهان داشت و پس از دو سال اقامت و بهره‌گیری مجدد از علمای آن دیار و فراگیری کتاب قانون در طب و زبان فرانسه، در سال ۱۳۲۲ هجری قمری به همراه مادر، همسر و پدر همسرش (آیت الله سید صادق روحانی قمی) راهی نجف شد.

هدف اصلی او از این هجرت، حضور در محضر درس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، صاحب کتاب بنیادین «کفایة الاصول» بود. گرچه آیت الله شاه‌آبادی خود مجتهدی مسلم و صاحب نظر بود، اما تواضع علمی و تشنگی او برای یادگیری سبب شد که به مدت هفت سال در دو دوره کامل درس خارج اصول آخوند خراسانی شرکت کند. او در این دوران طلایی، هم‌زمان از محضر مراجع بزرگی چون شیخ فتح الله شریعت اصفهانی (شیخ الشریعه) و میرزا حسین خلیلی تهرانی کسب فیض نمود و از آنان نیز اجازات روایی و اجتهادی متعددی دریافت کرد.

پس از ارتحال آخوند خراسانی در سال ۱۳۲۹ قمری، ایشان نجف را به قصد سامرا ترک گفت تا از محضر درس میرزای دوم (آیت الله محمدتقی شیرازی) بهره‌مند شود. در سامرا، کرسی تدریس آیت الله شاه‌آبادی در فقه، اصول و فلسفه به قدری با استقبال طلاب و فضلا روبه‌رو شد که شخص میرزای شیرازی، مقام علمی ایشان را ستود و مراجعت او به ایران را مایه خالی شدن و تضعیف حوزه سامرا دانست و وی را از سفر منع کرد. با این حال، در سال ۱۳۳۰ قمری، به دلیل اصرار شدید و بی‌تابی مادرشان برای بازگشت به وطن، ایشان علیرغم میل باطنی و اصرار مراجع، سامرا را ترک کرده و به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران، آیت الله شاه آبادی ابتدا در تهران ساکن شد، اما با شکل گیری و رونق گرفتن حوزه علمیه قم توسط آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۱ شمسی، ایشان راهی قم شد. اقامت حدوداً هفت ساله ایشان در قم (از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ قمری / ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ شمسی) نقطه عطفی در تاریخ حوزه های علمیه تشیع و بلکه تاریخ معاصر ایران به شمار می رود. شاه آبادی در قم آستین همت بالا زد تا علوم عقلی، عرفان و اخلاق را که در آن زمان به دلیل کج فهمی ها و قشری گری ها منزوی شده بود، احیا کند. در همین دوران بود که پیوند عمیق، مریدانه و بی بدیلی میان او و روح الله موسوی خمینی (امام خمینی) شکل گرفت. امام خمینی که خود جوانی تیزبین و تشنه معارف بلند الهی بود، پس از جست و جوی بسیار، گمشده خود را در وجود آیت الله شاه آبادی یافت.

امام خمینی بارها با عظمت و احترامی وصف ناپذیر از ایشان یاد کرده و تعبیر بلند «روحی فدا» (جانم فدایش باد) و «عارف بالله» را انحصاراً برای این استاد بزرگ به کار برده است. آیت الله شاه آبادی برای امام خمینی و چند تن از خواص طلاب، کتاب های روحی و عرفانی عظیمی همچون «فصوص الحکم» ابن عربی، «مصباح الانس» ابن فناری و «منازل السالکین» را تدریس می کرد. حوزه درس ایشان یک کلاس آموزشی نبود، بلکه دارالشفای جان ها و کانون تربیت روح های بزرگ بود. وقتی در سال ۱۳۱۴ شمسی آیت الله شاه آبادی به اصرار مردم تهران و جهت هدایت پایتخت به تهران بازگشت، امام خمینی جوان را به عنوان جانشین خود در تدریس اخلاق و عرفان در مدرسه فیضیه منصوب کرد که این خود نشان از اعتماد عمیق و کمال یافتگی شاگرد در مکتب استاد داشت.

#### بازگشت به تهران و رویارویی شجاعانه با استبداد رضاخانی

با بازگشت به تهران، آیت الله شاه آبادی امامت جماعت مسجد جامع بازار تهران را عهده دار شد و این مسجد را به سنگری محکم برای هدایت مذهبی و مبارزه سیاسی علیه برنامه های ضددینی و اسلام زدایی رضاشاه پهلوی تبدیل کرد. در دورانی که خفقان رضاخانی سراسر ایران را فراگرفته بود و قانون کشف حجاب، تعطیلی روضه ها، خلع لباس روحانیت و محدودیت شدید محافل مذهبی با مشیت آهنین اجرا می شد، این فقیه شجاع یک تنه و پایمردانه در برابر حکومت ایستاد.

ایشان معتقد بود که سکوت در برابر ستم، خیانت به دیانت است. یکی از برجسته ترین اقدامات مبارزاتی ایشان، تحصن پانزده ماهه در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) در شهر ری بود. این تحصن در اعتراض به جنایات رضاخان و فشارهای دولتی شکل گرفت. حکومت پهلوی که از نفوذ کلام و قاطعیت ایشان بیمناک بود، بارها مأموران خود را برای شکستن تحصن گسیل داشت، اما آیت الله شاه آبادی با صلابت فرمود: «من از این جا تکان نمی خورم تا تکلیف این مردک (رضاشاه) روشن شود». حتی زمانی که مأمور ارشد شهربانی او را تهدید به بازداشت جانی کرد، با شجاعت به سینه او زد و فرمود: «بگیر، من از شهادت باک ندارم».

ایشان در مسجد جامع بازار، سخنرانی های پرشور و افشاگرانه ای ایراد می کرد. معروف است که وقتی رضاخان برگزاری مجالس عزاداری امام حسین (ع) را کاملاً ممنوع کرد، آیت الله شاه آبادی شخصاً منبر رفت و روضه خواند و به مردم امید داد که این حکومت ستمگر به زودی سقوط خواهد کرد. شجاعت بی نظیر سیاسی او، روحیه مقاومت و استکبارستیزی را در کالبد جامعه و به ویژه در شاگردانش همچون امام خمینی دمید، به طوری که ریشه های انقلاب اسلامی را می توان در همان مبارزات استوار جست و جو کرد.

برخلاف تصور رایج که عازمان کوی عرفان را افرادی گوشه نشین و منزوی می پندارد، آیت الله شاه آبادی مظهر «عرفان حماسی و اجتماعی» بود. ایشان اعتقاد راسخ داشت که اسلام دین سیاست، تدبیر و اجتماع است و عرفان حقیقی باید در خدمت توده های مردم و هدایت آنان باشد. از این رو، نوآوری های اجتماعی فراوانی از خود به یادگار گذاشت. ایشان برای نخستین بار پای توده های مردم، اصناف، بازاریان و جوانان را به جلسات تخصصی اخلاق و معارف باز کرد و با تشکیل «هیئت های مذهبی سیار»، آموزش احکام، تفسیر قرآن و مسائل سیاسی روز را به درون خانه های مردم برد.

ایشان همچنین اهمیت ویژه ای به استقلال اقتصادی مسلمانان می داد و در آثار خود، مردم را به ایجاد شرکت های تعاونی، صندوق های قرض الحسنه و بایکوت کالاهای خارجی برای رهایی از وابستگی به بیگانگان تشویق می کرد. از منظر تالیف و نگارش، با اینکه بخش زیادی از وقت ایشان صرف مبارزات و تدریس می شد، آثار گران سنگ و عمیقی از خود برجای گذاشت که نشان دهنده ژرفای نگاه فلسفی، فقهی و اجتماعی اوست.

کتاب شریف «شذرات المعارف» یکی از مهم ترین آثار ایشان است که در آن اصول جهان بینی اسلامی، فلسفه احکام، وظایف

مسلمانان در عصر غیبت و راهکارهای عملی برای اصلاح جامعه و حکمرانی اسلامی تبیین شده است. اثر برجسته دیگر ایشان «رشحات البحار» شامل رسائل عمیق فلسفی و عرفانی در مباحثی چون مبدأ و معاد، نبوت و ولایت است. همچنین کتاب های «مفتاح السعاده فی احکام العباد» (رساله عملیه ایشان در فقه)، «حاشیه نجات العباد» و «منازل السالکین» در سیر و سلوک، بخش دیگری از میراث مکتوب این عالم ربانی است.

سرانجام پس از نزدیک به هشتاد و پنج سال عمر با برکت، پر تلاش و سرشار از مجاهدت علمی، تهذیب نفس و مبارزه با طاغوت، روح بلند این عارف ملکوتی و فقیه مجاهد در روز پنج شنبه ۲ آذر ۱۳۲۸ شمسی (مصادف با ۳ صفر ۱۳۶۹ قمری) به ملکوت اعلی پیوست. تجلیل و تشییع پیکر پاک او در تهران با حضور بی نظیر و پرشور اقشار مختلف مردم، علما، بازاریان و ارادتمندان او برگزار شد.

بدن مطهر ایشان را به شهر ری منتقل کرده و در جوار حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، در مقبره خانوادگی (باغ طوطی) به خاک سپردند. آیت الله شاه آبادی علاوه بر آثار مکتوب و شاگردان تراز اول، فرزندی رشید و مجاهد همچون شهید آیت الله مهدی شاه آبادی را به جامعه اسلامی هدیه کرد که او نیز در مسیر پدر گام برداشت و در جریان جنگ تحمیلی به شهادت رسید.

میراث حقیقی آیت الله محمدعلی شاه آبادی، پیوند میان «عرفان شیعی» و «سیاست و جهاد اجتماعی» بود؛ تفکری که سال ها بعد توسط شاگرد برجسته اش، امام خمینی (ره)، در قالب بزرگ ترین انقلاب دینی جهان معاصر متجلی شد و ساختار سیاسی جهان را دگرگون ساخت.